



## یک آلبوم در ژانر موسیقی ایرانی منتشر شد

«ملک دل» آلبوم جدید غلامرضا رضایی، با گروه پرافشان است که اخیرا مجوز آن صادر و منتشر شده است. به گزارش ایسنا، این اثر با تکنوازی کمانچه هادی منتظری، تار هامان خلیلی، نی مهدی و لیزاده، کمانچه فرستا موفقی، سنتور مرجان راغب، دف و دایره وحید ربیع پور، تار مهدی دریاباری، کمانچه چکاد فشارکی، تنبک و ضرب زورخانه سهیل اله دادیان، به تار فرزند موسوی و عود حجت فرجیان به آهنگسازی هامان خلیلی ساخته شده است.



## محمد کاسبی از بیمارستان مرخص شد

محمد کاسبی که به دلیل عمل جراحی در بیمارستان بستری شده بود، دیروز یکشنبه، ششم تیرماه مرخص شد. محسن علی اکبری، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون ضمن تأیید این خبر عنوان کرد که محمد کاسبی به منظور عمل جراحی معده در بیمارستان بستری شد و اکنون شرایط جسمی‌اش خوب است. به گفته این تهیه‌کننده، محمد کاسبی از بیمارستان مرخص شده و به خانه بازگشته است.

### چالش‌ها

چرا تصویر سازمان منافقین در کتاب‌ها و فیلم‌های سینمایی کامل نیست؟

## سیانوربازی سینمایی

همه فیلم‌های سینمایی ساخته شده درباره دهه ۶۰ که مستقیم یا غیرمستقیم به سازمان مجاهدین پرداخته‌اند، در کنار هم و در یک مجموعه شاید بتوانند تصویر روشن و ملموسی از این سازمان و عملکرد آن ارائه کنند اما بدون تردید این تصویر نمی‌تواند کامل باشد و تمام وجوه و جزئیات سازمان منافقین را ارائه و معرفی نمی‌کند. ناکامل بودن تصویر سازمان مجاهدین و سرکرده‌ها و اعضای این سازمان در سینما و تلویزیون اما لزوماً به معنای کم‌فروشی و بی‌توجهی سینماگران نبوده و نمی‌توان با هیچ ادله‌ای بر کم‌فروشی یا ناکارآمدی سینماگران در این زمینه صعه گذاشت چرا که بازنمایی سازمان مجاهدین و عملکردش در قالب فیلم و سریال با چالش‌ها و ملاحظات همراه است که هرگز دست‌فیلمنامه‌نویسان و سازندگان آثار سینمایی و تلویزیونی را برای پرداخت دقیق و کامل درباره این سازمان باز نگذاشته است.

### چالش امنیت: مرد پشت پرده

ترسیم چهره کامل و دقیق از سازمان منافقین نیازمند اطلاعات و دانش کامل و دقیق از این سازمان است و البته با این مصلحت‌اندیشی همراه می‌شود که آیا لازم است تمام این اطلاعات در قالب یک روایت داستانی در اختیار عموم جامعه قرار بگیرد یا خیر. این چالش مهم با یک اسم پیوند خورده است؛ یک رزمنده به نام «مرتضی اصفهانی» که در فیلم‌های «تعبیر وارونه یک رویا» به کارگردانی فریدون جیرانی، «روبه» ساخته بهروز افخمی، «امکان مینا» اثر کمال تبریزی، «بادیگار» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، «سیانور» اثر بهروز شعبی، «شبی که ماه کامل شد» به کارگردانی نرگس آبیاری و «ماجرای نیمروز» و «ماجرای نیمروز: رد خون» آثار محمدحسین مهدویان حضور و همکاری داشته است.

مرتضی اصفهانی در نوروز ۹۶ در گفت‌وگو نوروزی با صبح نو به چند سوال مکتوب پاسخ داده و به عنوان مشاور امنیتی فیلم ماجرای نیمروز در این گفت‌وگو خودش را این‌طور معرفی کرده است: «من یک چریک قبل از انقلاب اسلامی و یک رزمنده جمهوری اسلامی هستم. در اطلاعات عملیات ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران از ایشان آموختم که نقش اطلاعات در جنگ تا چه میزان تأثیرگذار است و با توجه به علاقه‌ای که به فیلمسازی داشتم، همیشه همه چیز را در ذهن ذخیره می‌کردم و حالا تلاش می‌کنم تجارب ۵۰ ساله مبارزه را در اختیار کسانی قرار دهم که می‌خواهند فیلم بسازند.» حضور اصفهانی به عنوان مشاور امنیتی در کنار فیلم‌هایی که به امنیت کشور ارتباط پیدا می‌کنند، حکایت از ملاحظات امنیتی برای پرداختن به سازمان مجاهدین و چگونگی بازنمایی این سازمان در آثار نمایشی دارد و از چالش‌هایی خبر می‌دهد که شاید درباره چرایی و چگونگی آنها خبر نداشته باشیم اما درباره وجود این چالش‌ها تردیدی نیست.

از دیگر چالش‌های امنیتی، به خطر افتادن امنیت عوامل فیلم است؛ چه بسا برخی عوامل تولید این گروه فیلم‌ها با تهدید سرکرده‌های سازمان مجاهدین روبه‌رو شده و در عبور از این چالش‌ها گاه عطای ارائه یک تصویر کامل و عریان را به لقای آن بخشیده‌اند.

### چالش تاریخی: سینماکلاس تاریخ نیست

پرداختن به موضوعات تاریخی همیشه با چالش بزرگ وفاداری دست و پنجه نرم کرده است. همچنان که محمدحسین مهدویان در یکی از گفت‌وگوهایش توضیح داده: «ما وقتی می‌گوییم فیلم تاریخی، منظورمان تاریخ فیلم‌شده نیست. این‌که شما گفتید فیلم، مستند و قابل استاندارد است، هیچ فیلمی، حتی فیلم مستند هم قابل استاندارد نیست. تاریخ، روش خود را دارد و به این معنا، اصلاً مواجهه سینما با تاریخ، مواجهه‌ای علمی نیست؛ یعنی اگر تاریخ را یک علم فرض کنیم، اصلاً سینما نمی‌تواند با تاریخ علمی مواجه شود؛ چراکه فرآیند روایت تاریخ، فرآیندی خودآگاه و مبتنی بر دانش، منطق، استدلال و استدانت است، در حالی که فرآیند تأثیرگذاری سینما ناخودآگاه احساسی و عاطفی است. به همین دلیل شیوه سخن‌گفتن از سینما با شیوه روایتگری در تاریخ متفاوت است. بهره‌گیری از سینما به عنوان یک رسانه در جهت روایت‌های سیاسی، تاریخی، اجتماعی و... اتفاقاً محصول نگاه سیاسی در تاریخ معاصر ماست؛ در حالی که سینما این‌گونه نیست، این سرسپردگی و وادادگی را ندارد و به شیوه خود عمل می‌کند.»

### چالش ترویج: بیانیه‌ای برای سازمان

این واقعیت است که هنوز سازمان منقر و تضعیف‌شده مجاهدین درحال جذب نیرو است و هستند افراد گمگشته یا غافلگی که فریفته وعده‌های دروغین و آرمان‌های پوچ این سازمان می‌شوند و به عضویت آن درمی‌آیند. طبیعی است تسهیل‌ملاحظه سبب می‌شود که در آثار سینمایی به خصوص از این‌بابت که با دارم و همذات‌پنداری سر و کار دارند، ایدئولوژی سازمان مجاهدین با جزئیات دقیق و به همان شفافیتی که سرکرده‌های سازمان ارائه می‌دهند، بازنمایی نشود.

### چالش رده‌بندی سنی: ثبت چند سال؟

بازنمایی خشونت در سازمان منافقین از جمله چالش‌های پیش‌روی سازندگان آثار سینمایی و تلویزیونی است؛ تخفیف‌دادن میزان خشونت در سازمان مجاهدین با نیت رعایت احوال مخاطب به خصوص گروه‌های سنی پایین‌تر تا حد زیادی رعایت می‌شود اما همیشه این سوال مهم وجود دارد که باید از این بازنمایی پرهیز کرد یا آن را عریان و بی‌واسطه به نمایش گذاشت! اگرچه وجه خشونت‌بار فعالیت سازمان منافقین بیشتر از سایر وجوه آن در آثار تلویزیونی و سینمایی به تصویر درآمده اما ویدئوها و مستنداتی از خشونت افسارگسیخته در این سازمان وجود دارد که برخی صحنه‌های خشونت‌آمیز فیلم‌ها و سریال‌های ساخته‌شده درباره سازمان مجاهدین در قبال آنها شوخی به نظر می‌رسند. اگر چه فیلم‌هایی مانند ماجرای نیمروز؛ ردخون با رعایت رده‌بندی سنی تا اندازه‌ای از این چالش عبور کرده‌اند اما این چالش همچنان به قوت خود باقی است و تا همیشه مانع بازنمایی دقیق و کامل سازمان مجاهدین می‌شود.



فیلم امکان مینا



فیلم سیانور



نمایی از فیلم ماجرای نیمروز: رد خون

### ایدئولوژی التقاطی

در میان ایدئولوژی‌های کنشگر و گروه‌های معتقد به آنها در مقطع پیش از انقلاب، تقریباً تکلیف همه با خودشان مشخص است؛ توده‌ای‌ها، چپ هستند بدون این‌که به مبارزه مسلحانه قائل باشند یا چریک‌های فدایی، اسلحه دست می‌گیرند بدون آن‌که راضی شوند جریان چپ می‌تواند آرام در گوشه‌ای به مبارزه نرم بپردازد. بچه‌مسلمان‌ها زیر پرچم رهبری امام خمینی، آرام و فعال به روشنگری می‌پردازند و جریان‌های ملی-مذهبی راست و لیبرال مثل نهضت آزادی هم گفتمان خود را دنبال می‌کنند. در میان همه اینها، فقط سازمان منافقین است که تلاش می‌کند ایدئولوژی چپ مارکسیستی را با اسلام درآمیزد و از هر گوشه‌ای چیزی بردارد. اما جهان داستان، چقدر گنجایش نمایش این سطح از التقاط را دارد؟

## ادبیات داستانی

در کلت ۴۵ حسام مطهری، ذکر جزئیات شاید حوصله‌مان را سر ببرد، به خصوص در رابطه با خلق شخصیت‌ها. هرچند در بخش‌هایی دیالوگ‌ها به‌ویژه آن بخش‌هایی که حدیث نفس است، کمی از حوصله خارج می‌شود اما همان طولانی بودن دیالوگ‌ها نیز در ساخت رمان به شکل‌گیری فضای رمان به خصوص در نشان دادن ایدئولوژی التقاطی سازمان که مغز جوان را تلیت کرده نشان می‌دهد. در رمان «صنم» نوشته ملیحه ذوالفقارزاده نیز ماجرا به خانواده‌ای مربوط است با باورهای گوناگون. همین بستر، فرم نشان دادن ایدئولوژی التقاطی نزد پسر خانواده را به بروز و ظهور می‌رساند. صنم، داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که پدر خانواده به شدت انقلابی بوده اما پسرش در جریان کاملاً مخالف، عضو سازمان مجاهدین است. رمان «سال گرگ» یکی از دقیق‌ترین ترسیم‌گران ایدئولوژی التقاطی در گروه مجاهدین بوده است، چرا که از همین رهگذر قرار است روایت تصفیه درون‌گروهی این سازمان را به تصویر بکشد. شهرام که یکی از اعضای سازمان است همراه یکی دیگر از اعضا، به زندانی در ساری تبعید شده‌اند. شهرام که جزو نظریه‌پردازان سازمان است، مشی سیاسی و خط مذهبی گروه را نفی می‌کند.



دستگیری موسی خیابانی، ماجرای نیمروز



عملیات دستگیری موسی خیابانی



## سینما

هیچ فیلمی به اندازه «سیانور» روی نمایش این وجه سازمان مجاهدین تمرکز نکرده و علت اصلی آن هم به روایت داستان در مرحله نوزایی سازمان در فاز اولش بازمی‌گردد؛ زمانی که عناصر مسلمانی چون مجید شریف‌واقفی و مرتضی صمدیه‌لباف، در مقابل رویه‌های جدید سازمان و تشدید رگه‌های التقاطی در آن از خود مقاومت نشان می‌دهند و ضدقهرمان داستان، تقی شهرام که قرار است ایدئولوگ سازمان استحاله‌یافته هم باشد، اقدام به حذف فیزیکی آنها می‌کند. فیلم در روایت خود نوعی تحلیل خلاقانه را هم وارد می‌کند و نهایتاً این نوزایی را با مهره چینی و بازی‌سازی ساواک درهم می‌بافد. در واقع «سیانور» تاحدی به علت تمرکز بر نمایش همین اختلافات ایدئولوژیک و جزئیات آنها، از ادبیات قابل فهم عامه و خصوصاً جوانانی که آن سال‌ها را ندیده‌اند هم فاصله گرفت و تاحدی تبدیل به پاشنه آشیل آن شد.

امکان مینا هم از آن جهت که بر بافت فکری سازمان مجاهدین و نوع ارتباط فکری‌اش با اعضا تمرکز دارد تا حدودی به نمایش التقاط در این بافت اشاره می‌کند. البته تنها زمانی آن را متوجه می‌شویم که مهران مقابل مینا قرار می‌گیرد و التقاط فکری سازمان را از مدخل ارتباط عاطفی خود با او، برایش توضیح می‌دهد. اتفاقی که کمی هم لایه‌ای گفت‌وگوهای مهران با نیروهای کمیته که به دنبال‌شان هستند، می‌افتد. مهدویان هر اندازه که در ماجرای نیمروز اول با سویه‌های فکری اعضای سازمان کار دارد در «ماجرای نیمروز» دوم، آن را تکرار می‌کند و این اتفاق می‌تواند متأثر از مقاطع متفاوت داستان باشد که یکی سال ۶۰ و در بحبوحه تروهای منافقین است و دیگری در سال ۶۷ زمانی که ایدئولوژی‌ها و التقاط‌ها جا افتاده‌اند و تنها کنش سازمانی باقی مانده است. اما در ماجرای نیمروز اول برخلاف سایر فیلم‌ها، التقاط را بیشتر از زبان ماموران خنثی‌سازی تروها می‌شنویم و خوانش این ماموران از این بافت فکری اتفاقاً بهانه‌ای برای روایت اختلافات میان خودشان می‌شود. جایی که مسعود معتقد است باید با سمپات‌ها و حتی اعضا، مواجهه فکری داشته‌باشیم اما سایر گروه بر این باورند که سازمان وارد فاز مسلحانه شده و از مساله ایدئولوژیک عبور کرده است.

ن دلیل هم هست که مساله‌ای مانند «شست‌وشوی مغزی» پیش از آن‌که به راد تبعة‌اش با ایدئولوژی باز می‌گردد، اما سازمان منافقین، هر سازمانی نیست. از کثیف‌ترین ابزارها یعنی مکیدن آزادی‌شان حتی تا درون افکار و احساسات غشونته‌های غیرانسانی در راستای اهداف سازمان بسازد. نمونه‌های تخیلی راز مونه‌های واقعی برایمان چه روایت کرده‌است؟

## ادبیات داستانی

در رمان سال گرگ، شست‌وشوی مغزی اعضای سازمان به تصویر کشیده شده است. البته این ماجرا صرفاً محدود به اعضای سازمان نیست، بلکه می‌بینیم شهرام (عضور گروه) با کار فکری بر زندانیان خود او را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا موجبات فرار آنها را فراهم کند. در پی فرار و نشیب‌های گوناگون، این‌گریز بالاخره با موفقیت انجام می‌شود.

رضا امیرخانی درباره کلت ۴۵ حسام مطهری گفته بود: «این رمان به من یک تشکیلات انسانی مبتنی بر عدم تعقل نشان می‌دهد. ما در این کتاب با شبکه‌انسانی مجاهدین خلق مضحمل شده مواجهیم که موارد بسیاری از آن را در داخل و خارج کشور می‌بینیم. باید ببینیم چه اتفاقی می‌افتد این شبکه‌انسانی با آن شبکه‌انسانی که شهیدبهرشتی در نظر داشت متفاوت می‌شود، از نظر من مجاهدین خلق یک شبکه‌انسانی است. شبیه شبکه‌های دیگر». اشاره او تلویحا به قدرت شست‌وشوی مغزی و استحاله سازمانی نزد مجاهدین در این رمان نیز هست.

عملیات مرصاد، رد خون



زندان منافقین در عملیات مرصاد



چشم ببینید ها و در همین وسط شهرام را همه‌ای از روش سازمان بیشتر هندی‌اشی به بدیل می‌شود. مینا» هم مورد

می‌کند. فقط تا مخاطب بگوید همه جدا باشد. متن به موضوع و تمام و تمام بر

ن به سازمان از. ما حتی در م می‌بینیم. دادم به بازگویی مفسران‌شان و آنها را از قلب و رفتارهای

